با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

رسانه‌ها روش‌های عملی حل مشکلات را منتشر کنند

در رسانه‌ها به جای بدگویی‌ها و توجه به جناح‌بندی‌ها به‌نظرات کارشناسی مفید و ارائه آنها بپردازند. در تمام دنیا رسانه‌ها نظرات قابل اجرای اقتصاددانان و کارشناسان را منتشر می‌کنند و به این صورت موفق می‌شوند به روش علمی در عمل به مخالفان ضربه بزنند ولی در اینجا اغلب به بدگویی می‌خواهند برخی را از میدان به در کنند که این روش مشکلات را حل نمی‌کند و باعث پراکندن بذر کینه و نفرت می‌شود. بهتر است رسانه‌ها کارشناسان واقعی را یافته و راهکارهای آنها در موضوعات مختلف را به چاپ برسانند.

نعمت پژوه از تهران

گرانی کاغذ باعث کم‌شدن محصولات فرهنگی و بهداشتی شده است

گرانی کاغذ کمر تولیدکنندگان را شکسته است، چاپخانه‌داران و تولیدکنندگان محصولات بهداشتی کاغذی نمی‌توانند ادامه دهند و همه اینها یعنی مدیریت بازار این محصول واجب است. از مسئولان تقاضا می‌کنیم برای تهیه کاغذ و مدیریت بازار آن فکری اساسی کنند.

حسین شاهقلیان از تهران

ساخت و سازهای غیرمجاز در زمین‌های کشاورزی گلستان تخریب شود

از مسئولان قوه قضاییه توقع داریم حکم تخریب ساخت‌وسازهای غیرمجاز در زمین‌های کشاورزی استان گلستان را صادر کنند؛ چراکه زمین‌های کشاورزی این استان در حال نابودی است و ادامه این روند منجر به خسارت و صدمات جبران‌ناپذیری به کشاورزان استان خواهد شد. لطفاً بی‌تفاوت از کنار این قضیه عبور نکنید.

ندری از گرگان

پاسخ مسئولان

برقراری مستمری بازنشستگان نیاز به هیچ‌گونه مراجعه حضوری ندارد

روابط‌عمومی سازمان تامین اجتماعی پیرو چاپ پیام مردمی با عنوان «پیگیری بازنشستگی از سایت تامین اجتماعی به جایی نمی‌رسد» در ستون با مردم روز ۱۲آذر پاسخ داده است: هم‌اکنون همه مراحل برقراری مستمری بازنشستگی عادی از طریق سامانه خدمات غیرحضوری سازمان تامین اجتماعی به نشانی es.tamin.ir در حال انجام است و روزانه به‌طور متوسط ۵۵۰ درخواست برقراری مستمری بازنشستگی غیرحضوری در واحدهای اجرایی تامین اجتماعی در سراسر کشور دریافت شده و بررسی می‌شود. هم‌اکنون فرایند جمع‌آوری سوابق پرداخت حق بیمه و بررسی احراز شرایط برقراری مستمری متقاضیان بازنشستگی و اعلام نتیجه به آنها در حالت حضوری و غیرحضوری یکسان بوده و مراجعه حضوری بیمه شده تأثیری در زمان انجام امور نخواهد داشت، لیکن با عنایت به رویکرد این سازمان در ارائه خدمات به‌صورت غیرحضوری، همواره بر لزوم تسریع در بررسی و پاسخگویی به درخواست‌های غیرحضوری تأکید شده است. ضمنا از مهر ماه ۱۳۹۹ بخشنامه: «صدور پیش‌نویس احکام برقراری مستمری» صادر و خدمت مذکور به خدمات سازمان تامین اجتماعی افزوده شده تا بلافاصله پس از ترک کار متقاضی، مستمری وی پرداخت شده و کماکان از خدمات درمان این سازمان نیز برخوردار باشد. همچنین با توجه به‌وجود سرویس اخذ شماره حساب بانکی مستمری‌بگیران به‌صورت غیرحضوری، ایشان جهت ارائه درخواست، برقراری و دریافت مستمری نیاز به هیچ‌گونه مراجعه به شعب این سازمان ندارند. با این حال با عنایت به موارد فوق، سازمان آمادگی دارد تا مصادیق مسئله فوق و موارد مشابه را به‌صورت مشخص بررسی کرده و پاسخ لازم ارائه شود.

گفت‌وگو با مرد محکوم به قصاص که پس از ۱۵سال حبس آزاد شد

وحشت شب‌های اجرای حکم در بند قتل

دادسرا

«باورم نمی‌شد روزی برسد که بتوانم دوباره آزادانه در خیابان قدم بزنم و کابوس اعدام دست از سرم بردارد.» این چکیده صحبت‌های مرد محکوم به قصاص است که با بخشش اولیای دم از مجازات مرگ رهایی یافته و بعد از ۱۵سال تحمل حبس از زندان آزاد شده است. او می‌گوید در همه مدتی که در زندان بوده، کابوس اعدام یک لحظه هم رهایش نمی‌کرد و حالا آزادی‌اش را مدیون گذشت خانواده مقتول و تلاش خیرینی است که باعث شدند با پرداخت مبلغ دیه، آزادی را به او هدیه کنند. مرد جوان در گفت‌وگو با همشهری از ماجرای حادثه‌ای می‌گوید که او را به پشت میله‌های زندان کشاند و تا یک قدمی مرگ پیش برد.

از جزئیات قتلی که مرتکب شدی بگو، آن روز چه اتفاقی افتاد؟

ماجرا برمی‌گردد به شهریور سال ۸۶. در آن زمان افتاده بودم در کار خلاف و مالخری می‌کردم. نمی‌دانید با یادآوری آن روزها چقدر احساس پشیمانی و ندامت می‌کنم. جنس دزدی از سارقان می‌خریدم و می‌فروختم. آخرین بار از سارقی چند تراول چک گرفتم که بعد متوجه شدم جعلی بوده است. رفتم بازار و تراول‌ها را خرج کردم. مقتول در بازار کار می‌کرد. متوجه جعلی بودن تراول‌ها شد و مچم را گرفت. اگرچه با او درگیر شدم اما ضربه‌هایی که زدم کشنده نبودند.

بیشتر توضیح بده؟

دلم نمی‌خواهد به آن سال‌ها برگردم. گفتم که احساس بدی پیدا می‌کنم. هم خودم به‌هم می‌ریزم و هم ممکن است خانواده مقتول داغ دلشان تازه شود. آنها عزیزشان را از دست داده‌اند. فقط این را بگویم که من با اجرای مراسم قسامه به قصاص محکوم شدم. چون خودم هرگز قبول نکردم که قاتل هستم. اصلا قصدم کشتن کسی نبود. ۵۰نفر در دادگاه حاضر شدند و قسم خوردند که من قاتل هستم و دادگاه مرا به قصاص محکوم کرد.

حادثه در کجا اتفاق افتاد؟

در یکی از محله‌های شیراز. من اهل یاسوج هستم و روز حادثه برای خرج کردن تراول چک‌ها به بازار شیراز رفته بودم که با مقتول درگیر شدم. به همین دلیل سال‌ها در زندان شیراز بودم اما چون خانواده‌ام در یاسوج زندگی می‌کردند درخواست دادم مرا به زندان یاسوج منتقل کنند چند سال اخیر را در زندان یاسوج بودم.

برگردیم به پرونده‌ات، بعد از اینکه به قصاص محکوم شدی چه احساسی داشتی؟

صبح تا شب کابوس می‌دیدم. همه‌اش خودم را پای چوبه‌دار می‌دیدم. زندگی برایم شده بود جهنم. هر لحظه منتظر بودم صدایم کنند و مرا به اتاق اجرا ببرند. خیلی شرایط سختی است. واقعا اگر کسی این شرایط را تجربه کند، هرگز دست به چاقو نمی‌شود. زمانی که چاقو همراهت باشد، ممکن است در یک درگیری ساده سرنوشتی مثل من پیدا کنی و زندگی برایت جهنم شود. این جهنم برای من سال‌ها طول کشید تا اینکه دل اولیای دم به رحم آمد و مرا بخشیدند. باورم نمی‌شد که آنها این لطف بزرگ را در حق من بکنند. من زندگی‌ام را مدیون آنها هستم.

پس از بخشش، آزاد شدی؟

نه. باید دیه را پرداخت می‌کردم اما توانایی پرداخت آن را نداشتم. برای همین همچنان در زندان ماندم. اما این بار حس دیگری داشتم. بخشش اولیای دم، بار سنگینی را از زندگی من برداشته بود.

دیه را چطور پرداخت کردی؟

خانم آذر شهسواری، از اعضای گروه صلح‌یار خیلی برای آزادی من تلاش کرد. بخش زیادی از این پول را او تهیه کرد. تلاش او و بقیه خیرین باعث شد امروز طعم آزادی را بچشم آن هم بعد از ۱۵سال. نمی‌دانید چه لذتی داشت وقتی در زندان باز شد و من از آن خارج شدم. شاید برایتان عجیب باشد اما چند ساعت بعد از آزادی، وقتی به‌خودم آمدم که سر از کوهستان در آورده بودم و تقریبا گم شده بودم. زنگ زدم به یکی از بستگانم و او آمد دنبالم. حواسم نبود که ساعت‌ها بی‌هدف می‌چرخیدم و خدا را شکر می‌کردم که آزاد شده‌ام.

متاهلی؟

من متولد سال ۵۳ هستم و یک دختر دارم. در این مدت دلم برای دخترم یک ذره شده بود. اما تلخ‌ترین اتفاق زندگی‌ام مرگ همسرم بود. سال ۸۸ فوت شد، در واقع دق کرد. من خودم را نمی‌بخشم و در مرگ همسرم مقصر می‌دانم. او از زمانی که من به زندان افتادم مریض شد و نتوانست این وضعیت را تحمل کند. دخترم هنوز یک سالش نشده بود که من زندانی شدم و همسرم روزهای سختی در زندگی‌اش گذراند.

دخترت را دیدی؟

بله. بعد از آزادی رفتم دیدن او و یک دل سیر بغلش کردم. برای خودش خانمی شده است. پیش خواهرخانمم زندگی می‌کند. در این مدت با یکدیگر تماس تلفنی داشتیم اما می‌دانم که او هم به‌خاطر مرگ مادرش و هم نبود من از دستم شاکی است. به زمان نیاز دارم تا همه‌چیز را درست کنم.

گفتی که قبل از همه این حوادث، مال دزدی خرید و فروش می‌کردی. چرا؟

من برای خودم آدم با آبرویی بودم. کار پوشاک می‌کردم، می‌رفتم بندرعباس لباس می‌خریدم و در شیراز و یاسوج می‌فروختم اما یک رفیق ناباب زندگی‌ام را تباه کرد. راستش خجالت می‌کشم از گذشته بگویم. از حماقت‌هایی که کردم. اما اینها را بنویسید، شاید یکی بخواند و عبرت بگیرد. دوستم پیشنهاد داد با هم مالخری کنیم. می‌گفت سودش زیاد است و لازم نیست این همه راه بروم و جنس بیاورم و بفروشم. من هم طمع کردم و به امید به‌دست آوردن پول بیشتر تبدیل به یک مجرم شدم. اما حالا به‌شدت پشیمانم و به جای ضرر زدن به مردم هر کاری از دستم بربیاید برای آنها انجام می‌دهم. همانطور که در زندان برای چند زندانی انجام دادم.

چه کارهایی در زندان انجام دادی؟

بعد از مرگ همسرم، اعدام یکی از همبندی‌هایم تقریبا نابودم کرد. او در جریان اختلاف ملکی یکی از بستگانش را به قتل رسانده بود. فکر نمی‌کردم اعدامش کنند اما یک روز او را بردند و دیگر برنگشت. بعدا متوجه شدم که اولیای دم رضایت ندادند و او به دار آویخته شد. نمی‌دانید بر من و دیگر همبندی‌هایم چه گذشت. برای همین می‌گویم که اگر کسی تجربه زندان و زیر تیغ قصاص بودن را داشته باشد، هرگز دست به قتل نمی‌زند. از فردای روزی که دوستم قصاص شد تلفن را برداشتم و زنگ زدم به اولیای دم دیگر همبندی‌هایم که محکوم به قصاص بودند. التماسشان می‌کردم که از قصاص بگذرند. تا اینکه دل ۲نفرشان به رحم آمد و رضایت دادند. خوب یادم است که وقتی بخشیده شدند، در زندان برایشان جشن گرفتیم، نمی‌دانید چه احساس خوبی برای زندانیان است وقتی یک قاتل از قصاص رهایی می‌یابد.

برنامه‌ات از این به بعد چه خواهد بود؟

وقتی در زندان بودم و با اولیای دم تماس می‌گرفتم نذر کردم که اگر خودم بتوانم رضایت بگیرم و آزاد شوم به چند یتیم کمک کنم. هرچند بعضی از شب‌ها به‌شدت ناامید بودم و تا صبح نمی‌خوابیدم اما هیچ‌وقت خدا را فراموش نکردم. با محبت اولیای دم، تلاش زن خیر و لطف خدا از زندان آزاد شدم و یک راست به سراغ چند یتیم رفتم و در حد توانم به آنها کمک کردم. الان هم کار پیدا کرده‌ام و ماهانه از حقوقم، مبلغی کنار می‌گذارم برای کمک به زندانیان. برای آنهایی که به‌خاطر پول در زندان هستند.

جیب‌بر خارجی در تهران نقره‌داغ شد

جوان خارجی که با پرسه زدن در خیابان‌های غرب تهران از شهروندان جیب‌بری می‌کرد با تلاش‌های مأموران پلیس دستگیر شد. به گزارش همشهری، به‌دنبال افزایش سرقت تلفن همراه واشیای قیمتی شهروندان در سه‌شنبه بازار و اطراف بلوار سیمون بولیوار در غرب پایتخت، رسیدگی به این موضوع در دستور کار مأموران عملیات کلانتری ۱۳۸ جنت‌آباد قرار گرفت. مأموران در همان بررسی‌های مقدماتی توانستند متهم را شناسایی کنند. او پسر جوانی است که با شگردهای مختلف اقدام به سرقت و جیب‌بری از مراجعه‌کنندگان به سه‌شنبه بازار می‌کرد. در این شرایط مأموران در همان حوالی به کمین وی نشستند تا او را به دام بیندازند. با گذشت چند روز مأموران کلانتری هنگام گشتزنی متهم تحت تعقیب را درحالی که قصد سرقت از خانمی را داشت دستگیر و به کلانتری منتقل کردند. مأموران در بازرسی متهم ۵گوشی تلفن همراه که دقایقی قبل سرقت کرده بود را کشف کردند. تحقیقات تکمیلی از او نشان داد که ۲۱سال دارد و از اتباع کشور همسایه است. او در اعترافاتش به جیب‌بری در محله جنت‌آباد و ۱۰ فقره سرقت مشابه اعتراف کرد و تعدادی از مالباختگان نیز شناسایی شدند. سرهنگ عبدالرضا محمدی، سرپرست سرکلانتر دوم پلیس پیشگیری تهران بزرگ با اعلام جزئیات این پرونده گفت: تحقیقات بیشتر برای کشف سایر جرائم احتمالی متهم و شناسایی مالباختگان ادامه دارد و متهم برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شده است.

درگیری زندانیان بند موادمخدر در زندان کرج

درگیری بین تعدادی از زندانیان بند موادمخدر زندان مرکزی کرج که با آتش‌سوزی همراه بود با ورود به‌موقع یگان حفاظت زندان پایان یافت.

به‌گزارش همشهری، حسین فاضلی هریکندی، رئیس کل دادگستری استان البرز با اشاره به درگیری محدود در بند موادمخدر زندان مرکزی کرج اظهار کرد: بعدازظهر شنبه بین زندانیان بند موادمخدر زندان درگیری محدودی رخ داد که در جریان این درگیری تعدادی از زندانیان چند پتو را در بخش هواخوری زندان آتش زدند.

وی افزود: با ورود فوری نیروهای یگان حفاظت زندان درگیری بین زندانیان خاتمه پیدا کرد و هم‌اکنون امنیت و آرامش در زندان برقرار است.

رئیس کل دادگستری استان البرز در رابطه با ادعای رسانه‌های ضدانقلاب، گفت: ادعاهای مطرح شده از اساس کذب است و تمام زندانیان حاضر در زندان مرکزی کرج در سلامت کامل به‌سرمی‌برند.

پزشکی که به اتهام قتل عمد دختری در مطبش بازداشت شده بود، با وثیقه آزاد شد

ناگفته‌های مرگ دختر جوان در مطب پزشک متخلف

پیگیری

«پرونده دختر جوانی که بعد از جان‌باختن هنگام عمل زیبایی در یک مطب خصوصی، پیکر بی‌جانش به بیابان‌های اطراف نظرآباد منتقل و در آنجا به آتش کشیده شده بود، با آزادی پزشک متخلف وارد مرحله تازه‌ای شد.

به گزارش همشهری، رسیدگی به این پرونده از روز ۲۶تیرماه امسال با مفقودشدن دختری ۲۹ساله در تهران آغاز شد. نزدیکان دختر جوان مدعی بودند که او برای رفتن به مطب یک جراح زیبایی در شرق تهران از خانه بیرون رفته و دیگر برنگشته است. با وجود ثبت مشخصات دختر جوان در فهرست افراد گمشده، اما هیچ ردی از او به‌دست نیامد تا اینکه چند روز بعد جسد سوخته دختری در حاشیه بزرگراه غدیر در نظرآباد کرج کشف شد و بررسی بقایای لباس‌ها و پابند متوفی نشان می‌داد که جسد متعلق به دختر گمشده است.

اولین سرنخ

با وجود کشف جسد دختر جوان به‌دلیل شدت سوختگی علت مرگ وی مشخص نبود. از سویی معلوم نبود او چطور جان خود را از دست داده و پیکرش از تهران به نظرآباد منتقل شده است. در این شرایط تجسس‌های کارآگاهان پلیس در شاخه‌های مختلف ادامه پیدا کرد.

ماموران با شناسایی خودرویی که جسد به وسیله آن به نظرآباد منتقل شده بود، مالک آن را بازداشت کردند. او ضمن پذیرش انتقال جسد گفت که دختر جوان در یک کلینیک زیبایی جانش را از دست داده و مدیر کلینیک از او خواسته تا جسد را به آنجا منتقل کند. اعترافات راننده تا حدودی ابعاد ماجرا را برای کارآگاهان مشخص کرد و باعث شد آنها برای رازگشایی از این معما به کلینیک زیبایی بروند.

اعتراف به قصور پزشکی

تحقیق درباره پزشکی که مدیر این کلینیک بود، نشان می‌داد که او مدت‌ها در یکی از ارگان‌های نظامی طبابت می‌کرده اما از سال ۹۴ از آنجا جدا شده است. همچنین بررسی‌ها نشان داد که او ۲کلینیک در شمال و شرق تهران دارد اما از مدتی قبل به‌دلیل تخلفات و شاکیان زیادی که داشته مجوز فعالیت او باطل شده اما همچنان به‌طور غیرقانونی عمل زیبایی انجام می‌دهد. در این شرایط بود که پزشک متخلف و همکارانش در کلینیک بازداشت شدند و شمار متهمان در این پرونده به ۷نفر افزایش پیدا کرد.

وقتی متهم اصلی تحت بازجویی قرار گرفت، ابتدا ادعا می‌کرد که او روی متوفی هیچ جراحی‌ای انجام نداده و از ماجرا اطلاعی ندارد؛ اما وقتی پی برد که همکارانش اسرار او را برملا کرده‌اند، روایت تازه‌ای از مرگ دختر جوان را بازگو کرد. او گفت: من جراحی زیبایی را به‌طور کامل و بدون هیچ مشکلی انجام دادم. وقتی کارم تمام شد از بیمار حالش را پرسیدم که او گفت کمی گیج است. من هم گفتم کمی در مطب بمان و استراحت کن تا حالت خوب شود. بعد از آن من به اتاق رفتم و دیگر از هیچ‌چیز خبر ندارم. بر فرض اینکه من قصور پزشکی هم انجام داده باشم، بیمه‌ای که تحت پوشش آن هستم دیه بیمار را پرداخت می‌کند. اظهارات این پزشک در حالی بود که حرف‌های همکارانش نشان می‌داد که او بعد از فوت دختر جوان به آنها دستور داده تا جسد را از مطب خارج کنند. شواهد به‌دست‌آمده نشان می‌داد که کارکنان مطب بعد از فوت دختر جوان در جریان عمل زیبایی، جسد او را روی یک ویلچر نشانده و در ادامه به خودروی راننده منتقل کرده و او را در صندوق عقب انداخته‌اند و او نیز جسد را بعد از یک و نیم روز به نظرآباد برده و به آتش کشیده است.

آزادی با وثیقه سنگین

در شرایطی که اتهام پزشک متخلف در این پرونده قتل عمد، اتهام راننده که جسد را سوزانده جنایت بر میت و اتهامات سایر متهمان نیز همدستی با آنهاست و متهم اصلی تا چندی پیش در بازداشت به سر می‌برد، حالا اما توانسته با قرار وثیقه ۸میلیارد تومانی آزاد شود. وکیل مدافع اولیای دم درباره روند رسیدگی به این پرونده به همشهری می‌گوید: حادثه تلخی که برای دختر جوان اتفاق افتاده حتما با سوءنیت همراه بوده است؛ چراکه از او برای انجام جراحی زیبایی ۶میلیون تومان دریافت شده بود، درحالی که انجام این جراحی دست‌کم ۲۰میلیون تومان هزینه دارد. از سویی به فرض اینکه دختر جوان بر اثر حادثه یا قصور پزشکی هنگام جراحی زیبایی جانش را از دست داده باشد، چه دلیل دارد که جسدش به بیابان منتقل و سوزانده شود و پزشک و همکارانش تلاش کنند تا ماجرا را پنهان کنند. او ادامه می‌دهد: این پزشک پیش از این نیز مرتکب تخلفات زیادی شده و شاکیان متعددی دارد. اولیای دم دختر جوان با این حادثه داغدار او شدند و به همین دلیل درخواست دارند که مقصران قتل دخترشان به سزای عملشان برسند.

کوتاه از حادثه

سارقان با تخریب ۲مغازه به گاوصندوق طلافروشی رسیدند

پلیس در تعقیب سارقان ۵کیلو طلا

۳مرد که با نقاب صورتشان را پوشانده بودند، توانستند پس از تخریب ۲ مغازه به طلافروشی نفوذ کنند و دست به سرقت ۵ کیلو طلا از گاوصندوق طلافروشی بزنند.

به‌گزارش همشهری، صبح دهم آذر ماه امسال صاحب یک مغازه طلافروشی در کریمخان، وقتی قدم در مغازه‌اش گذاشت، متوجه اتفاق عجیبی شد. پشت گاوصندوقی که به دیوار وصل بود، حفره‌ای ایجاد شده بود و دزدان با تخریب دیوار پشتی به گاوصندوق رسیده و بخشی از آن را برش داده و دست به سرقت زده بودند.

مرد طلافروش سراسیمه پلیس را خبر کرد و دقایقی بعد تیمی از مأموران در مغازه طلافروشی در خیابان کریمخان حاضر شدند به‌گفته مرد طلافروش از داخل گاوصندوق وی ۵کیلو طلا و شمش، نیم کیلو زنجیر طلا، مقداری جواهرات و پاسپورت وی سرقت شده بود. مأموران در تحقیقات دریافتند که دزدان برای رسیدن به مغازه طلافروشی ۳دیوار را تخریب کرده‌اند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که ۲ مغازه در کنار طلافروشی وجود داشت که هر دو خالی بودند. دزدان ابتدا دیوار مغازه اول را سوراخ کرده و وارد آنجا شده بودند. بعد دیوار مغازه دوم و در نهایت دیوار طلافروشی را سوراخ کرده و به گاوصندوق رسیده بودند. آنها سپس با دستگاه هوا برش بخشی از گاوصندوق را بریده و دست به سرقت طلا و جواهرات زده بودند.

ردپای یک زن

صحنه سرقت نشان می‌داد که سارقان حرفه‌ای از خالی بودن ۲مغازه‌ای مجاور طلافروشی خبر داشتند. کارآگاهان در ادامه به سراغ دوربین‌های مداربسته رفتند و بازبینی تصاویر نشان داد که ساعت یک بامداد دهم آذر ماه، ۳مرد درحالی که صورت هایشان را با نقاب پوشانده بودند از یک ماشین پیاده شده و به سراغ مغازه اول رفتند. آنها ساعت ۵صبح درحالی که طلاها را داخل کوله پشتی خود قرار داده بودند از سوراخی که در دیوار مغازه اول ایجاد کرده بودند، خارج و متواری شدند. دزدان پس از خروج، دستگاه هوابرش را داخل سطل زباله انداخته بودند. از آنجا که ۲ مغازه کناری طلافروشی تخلیه بود و صاحب مغازه طلافروشی معمولا بخشی از طلاهایش را در گاوصندوق نگه می‌داشت این فرضیه قوت یافت که سرقت از سوی آشنا رخ داده است. در ادامه روند تحقیقات، مأموران به فروشنده مغازه طلافروشی که زنی جوان بود مشکوک شدند. او یک روز قبل از سرقت در ساعت غیرکاری‌اش در اطراف محل سرقت نیز دیده شده و این اواخر رفتارهایش مشکوک بود. در این شرایط بازپرس شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت دستور بازداشت وی و انجام تحقیقات بیشتر در این پرونده را صادر کرد تا شاید اسرار این سرقت عجیب فاش شود.

فریب دختر ۱۸ساله برای سرقت ۴کیلو طلا

دختر جوان به تصور اینکه قرار است با دوست مجازی‌اش ازدواج کند و زندگی رؤیایی خود را بسازد، ۴کیلو طلا از خانه دزدید و فرار کرد اما زیاد طول نکشید تا بفهمد، فریب بزرگی خورده است.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مرد میانسالی نزد مأموران پلیس رفت و خبر از سرقت ۴کیلو طلا از خانه‌اش داد. او می‌گفت که سارق طلاها کسی جز دخترش نیست، اما وی پس از سرقت طلاها به دام دزدان دیگری افتاده و همه طلاها توسط آنها به سرقت رفته است. با این شکایت، مأموران سراغ دختر شاکی رفتند و به تحقیق از او پرداختند. دختر ۱۸ساله که باورش نمی‌شد همه سرمایه پدرش را تقدیم دزدان کرده است، در تشریح ماجرا گفت: مدتی قبل و در فضای مجازی با پسری به نام عرفان آشنا شدم. رفته رفته به او دل بستم و وقتی به من پیشنهاد ازدواج داد، قبول کردم اما خانواده‌ام با این ازدواج مخالفت کردند. دختر جوان ادامه داد: عرفان می‌گفت که دلباخته من است و اگر از خانه فرار کنم، برایم زندگی رؤیایی می‌سازد. من از قبل به او گفته بودم که پدرم مقدار زیادی طلا در خانه نگهداری می‌کند. عرفان گفت که اگر طلاها را سرقت کنم، می‌توانیم خانه دلخواهمان را بخریم و زندگی رویایی‌مان را شروع کنیم. من که به وی اعتماد پیدا کرده بودم، قبول کردم و یک روز که در خانه تنها بودم، سراغ گاوصندوق پدرم رفتم و همه ۴کیلو طلایی را که داخل آن بود سرقت کردم. طلاها را درون کوله‌پشتی‌ام قرار دادم و با برداشتن مدارک شناسایی‌ام از خانه فرار کردم. همزمان به عرفان زنگ زدم و گفتم که طلاها را دزدیده‌ام و او هم آدرسی فرستاد و خواست که به آنجا بروم. دختر ۱۸ساله گفت: درحالی که کوله‌پشتی پر از طلا پشتم بود، راهی نشانی مورد نظر شدم اما وقتی به آنجا رسیدم و منتظر بودم، ۳پسر که سوار موتور بودند به من حمله کردند و به زور و تهدید چاقو کوله‌پشتی طلاها را دزدیدند و فرار کردند. من هم گریه‌کنان به خانه برگشتم و ماجرا را برای پدرم تعریف کردم و تصمیم گرفتیم برای دستگیری دزدان از پلیس کمک بگیریم.

خواستگار سارق

ماموران پلیس در همان ابتدا حدس زدند که پشت‌پرده این سرقت کسی نیست جز خواستگار دختر جوان. این احتمال وجود داشت که سارقان از سوی وی اجیر شده باشند و به همین دلیل دستور بازداشت عرفان صادر شد. با سرنخ‌هایی که از دختر جوان به‌دست آمده بود، مخفیگاه متهم شناسایی و وی در یک عملیات ضربتی دستگیر شد. متهم پس از انتقال به اداره آگاهی منکر سرقت شد اما در ادامه بازجویی‌ها اعتراف کرد که با هدف سرقت طلاها، به دختر جوان پیشنهاد ازدواج و فرار از خانه را داده و پس از آن نیز با اجیر کردن ۳نفر از دوستانش، نقشه سرقت طلاها را عملی کرده است. به‌گفته سرهنگ ولی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران، با اعترافات متهم، مأموران ۳ سارق موتورسوار را نیز دستگیر کردند. متهمان برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

تسلیت

خانواده محترم آقای مهندس جمشید شهابی

با کمال تأسف و تأثر فقدان نابهنگام آن عزیز از دست رفته را به شما و تمامی دوستان و آشنایان ایشان تسلیت عرض نموده، سلامتی بازماندگان را آرزو داریم.

همکلاسی‌های ایشان در (ورودی سال ۱۳۴۵ دانشکده فنی)

جناب آقای مهندس ابوالفضل قربانی راد

نائب رئیس محترم هیئت مدیره شرکت ساختمانی آگور

با کمال تاثر و تاسف درگذشت پدر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می نماییم و از درگاه ایزد منان علو درجات برای آن مرحوم، صبر و بردباری برای بازماندگان محترمشان را خواستاریم.

هیئت مدیره شرکت ساختمانی آگور

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۱/۳۳

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران
tmicto.tehran.ir

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران در نظر دارد نسبت به خرید پنل صنعتی ۵۵ اینچ از طریق مناقصه عمومی اقدام کند. جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه می‌توانید به نشانی الکترونیکی https://business.tehran.ir مراجعه نمایید.

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره ۱۴۰۱/۳۷

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران
tmicto.tehran.ir

سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران در نظر دارد نسبت به خرید مانیتور از طریق مناقصه عمومی اقدام کند. جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه می‌توانید به نشانی الکترونیکی https://business.tehran.ir مراجعه نمایید.